

افراد مشهوری که سل داشته اند.



۱. نلسون ماندلا در سال ۱۹۱۸ بدنیآ آمد و رهبر آفریقای جنوبی بود . تا همین بیست سال پیش، دولت اقلیت سفیدپوستی در کشور آفریقای جنوبی بر سر کار بود که جامعه را بر اساس نظام "آپارتاید" یا "اصل برتری نژادی" اداره می کرد. سی میلیون سیاه پوست ساکن این کشور که ۷۰ درصد از جمعیت را تشکیل می دادند نه حق رأی داشتند، نه اجازه داشتند در اماکن عمومی با سفیدپوستان دیده شوند، و نه فرزندان شان از امکان تحصیل مناسبی برخوردار بودند. بسیاری از سیاهپوستان در فقر مطلق در شهرک های زاغه نشینی زندگی می کردند که دولت برای شان ایجاد کرده بود. هر گونه اعتراضی به شدت سرکوب می شد. مقامات حکومتی در سال ۱۹۶۴ نلسون مندلا و هم قطارانش را به جرم فعالیت بر ضد نظام نژادپرستی به حبس ابد محکوم کردند، و در سال ۱۹۷۶ نیز دست کم ۶۶۰ نفر در جریان قیام مردم شهرک های سیاه پوست نشین کشته شدند. اما نظام آپارتاید سرانجام فروپاشید . نلسون مندلا در سال ۱۹۹۰ از زندان آزاد شد و در سال ۱۹۹۴، در انتخاباتی که همگان در آن حق رأی داشتند، به عنوان رئیس جمهور آفریقای جنوبی انتخاب گردید. در سال ۱۹۸۸ در زندان مبتلا به سل شد با درمان کردن به موقع بیماری سل توانست سلامتی خود را بدست آورد. در ۵ دسامبر ۲۰۱۳ در سن ۹۵ در گذشت .



۲. سر تام جونز خواننده ای معروف در سال ۱۹۴۰ در انگلستان بدنیا آمد. در سن دوازده سالگی به بیماری سل مبتلا شد و به مدت دو سال به طور جدی بیمار بود.



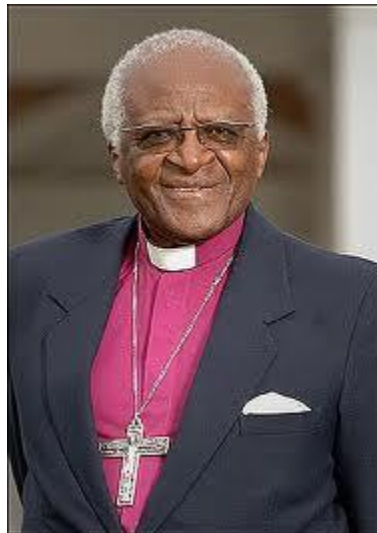
۳. رینگو استار نوازنده ای درام گروه معروف بیتلز در سال ۱۹۴۰ در انگلستان بدنیا آمد. در دوران بچگی دوبار مبتلا به بیماری سل شد.



۴. یوسف اسلام خواننده ای انگلیسی در سال ۱۹۴۸ بدنیا آمد. در سن ۱۹ سالگی مبتلا به بیماری سل شد و چندین ماه را در بیمارستان بستری بود و بعدها یوسف اسلام در خاطراتش عنوان کرد زمانی که مبتلا به بیماری سل شد مرگ را هر روز در مقابل چشمانش می دید و شروع کرد به پرسش درباره ای زندگی و معنویت و در این دوران مسیر زندگیش تغییر کرد . یوسف اسلام در اواخر دهه ای ۱۹۷۰ به دین اسلام گروید و نامش را از کت استیونس به یوسف اسلام تغییر داد او خواننده، ترانه نویس، نوازنده ُ چندین ساز، مربی و اسلام گرایی برجسته است. از اواخر دهه ُ ۱۹۶۰ تاکنون او تحت نام کت استیونس موفق به فروش بیش از ۶۰ میلیون آلبوم در سراسر دنیا شده است. از ترانه های معروف او می توان به دنیای وحشی اشاره کرد. کت استیونس با مطالعه ی کتابی که برادر بزرگش از بیت المقدس برای او آورد به جواب بسیاری از سؤالاتش دست یافت. او از اعماق جان به این کتاب که قرآن نام داشت ایمان آورد و بعد از چندین سال مطالعه و تحقیق سرانجام در ۲۳ دسامبر ۱۹۷۷ به طور رسمی دین اسلام را پذیرفت و نامش را به یوسف اسلام تغییر داد. و در همین زمان آلبوم «بازگشت به زمین» را بیرون داد.



۵. کارلوس سانتانا موسیقیدان مکزیکی که یکی از بهترین موسیقیدانان دنیا است در سال ۱۹۴۷ بدنیا آمد. در سن ۱۸ سالگی زمانی که در کالیفرنیا به سر می برد مبتلا به بیماری سل شد و سه ماه در بیمارستان بستری بود.



۶. اسقف اعظم دزموند مپیلو توتو متولد آفریقای جنوبی در سال ۱۹۳۰ است. اسقف اعظم دزموند توتو از فعالان صلح و رهبران جنبش ضد آپارتاید آفریقای جنوبی است. نهادی که در مبارزه علیه تبعیض نژادی در خط اول قرار داشت و در به ثمر نشستن مبارزات بر علیه نظام "آپارتاید" نقشی تعیین کننده ایفا کرد، کلیسا به رهبری "دزموند توتو" اسقف اعظم کلیسای انگلیکن در آفریقا بود. اسقف توتو نه تنها در مبارزات علیه آپارتاید نقش کلیدی ایفا کرد، بلکه پس از پیروزی نیز "کمیتهٔ حقیقت و سازش" را تشکیل داد که ماهیتی کاملاً مسیحی داشت. این کمیته اعلام

کرد که تمام کسانی که در دوران آپارتاید مرتکب نقض حقوق بشر شده اند، اگر به خطاهای خود اعتراف کنند مورد بخشش قرار خواهند گرفت.



۷. مظفرالدین شاه در سال ۱۲۳۲ بدینا آمد. مظفرالدین شاه از زمان کودکی همیشه بیمار بود. مظفرالدین شاه در زمان ولایتعهدی خود در تبریز اقامت داشت به بیماری سل مبتلا بود. با توجه به اینکه در آن زمان دارویی برای سل وجود نداشت پزشکان توصیه کردند تا ولیعهد در مکانی خوش آب و هوا سکونت نماید. پس از بررسی نقاط مختلف تهران قریه دارآباد برای اسکان مظفرالدین شاه انتخاب شد. «علی اصغر خان اتابک اعظم» در سال ۱۳۱۹ هـ-ق مطابق با ۱۲۷۳ شمسی باغ بزرگی را در قریه دارآباد به مساحت ۶۰ هزار متر مربع خریداری کرد. به دستور «محمد خان حکیم الملک»، وزیر دربار عمارت زیبایی در آن بنا شد و به کاخ شاه آباد معروف گشت. وی سرانجام در روز ۱۲ دی ۱۲۸۵ خورشیدی و در سن ۵۴ سالگی درگذشت و در کربلا به خاک سپرده شد.



ملک الشعراى بهار در بستر بيمارى در سويس و در روزهاى آخر زندگى اش

۸. محمدتقى بهار ملقب به ملك الشعراى بهار در شانزدهم آبان ۱۲۶۵ ه. ش. برابر با ۱۳۰۵ ه. ق. در مشهد زاده شد. بهار در ۱۳۲۸ روزنامه نوبهار را كه ناشر افكار حزب دموكرات بود، منتشر ساخت و به عضويت كميته ايالتى اين حزب در آمد. اين روزنامه پس از چندي به دليل مخالفت با حضور قواى روسيه در ايران و مخاصمه با سياست آن دولت، به امر كنسول روس تعطيل شد. انتشار نوبهار بارها ممنوع و دوباره آزاد شد. در مجلس پنجم بهار در صف مخالفان جمهورى رضاخانى جاى گزید و معتقد بود كه موافقت سردار سپه با جمهورى، اسباب تردید مردم شده است و مردم نتیجه چنین جمهورى را ديكتاتورى رضاخان مى بينند. بعدها بهار در اين دوره خطر مخالفت با سردار سپه را در يافت و اشعارى ظاهراً در تحسین جمهورى سرود. با سقوط رضاشاه در شهريور ۱۳۲۰، بهار مجدداً به فعاليت سياسى و اجتماعى روى آورد و روزنامه نوبهار را دوباره منتشر كرد. پس از غائله آذربايجان در ۱۳۲۴، بهار زير لوى قوام السلطنه به فعاليت سياسى روى آورد و در كنگره حزب دموكرات ايران مجدد شركت كرد. در بهمن ۱۳۲۴ در كابينه قوام وزير فرهنگ شد، اما وزارت او چند ماهى بيش طول نكشید و استعفا كرد. ملك الشعراى بهار تنها يك قصيده سرا و شاعر نبود بلكه فعاليت هاى سياسى اجتماعى داشته است. در ۱۳۲۶ به عنوان نماينده تهران در مجلس پانزدهم انتخاب شد و رياست فراكسيون حزب دموكرات را به عهده گرفت. اما بر اثر ابتلا به بيمارى سل، تنها در ماههاى تير، مرداد و شهريور ۱۳۲۶ فرصت حضور در مجلس را يافت. در نيمه دوم ۱۳۲۶ بهار كه به بيمارى سل مبتلا گشته بود، با استفاده از مرخصى استعلاجى از مجلس، براى معالجه به شهر لوزان در سوئيس رفت. اما مضيقه شديد مالى باعث گرديد كه بهار با نيمه كاره رها كردن معالجه راهى ايران شود. بهار در روز دوم اردیبهشت ۱۳۳۰،

در خانه مسکونی خود در تهران زندگی را بدرود گفت و در شمیران در آرامگاه ظهیرالدوله به خاک سپرده شد.

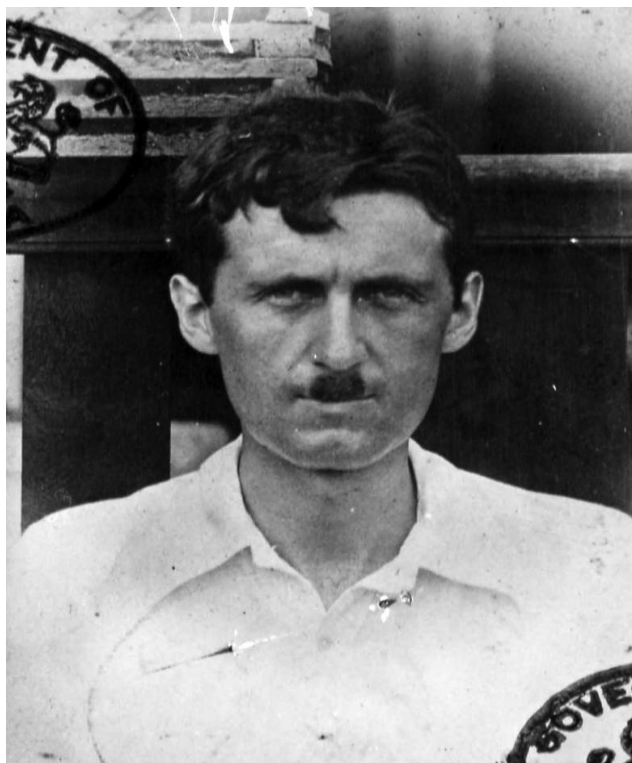


کودکی کامو در .آلبر کامو در سال ۱۹۱۳ در الجزایر که مستعمره ای فرانسه بود بدنیا آمد .۹ یک زندگی فقیرانه طبعه کارگری سپری شد. فقر، احترام به رنج و همدردی با بیچارگان را به او یاد داد . پسند خاطر غریزی کامو قناعت و بی‌پیرایگی بود. نویسنده، فیلسوف و روزنامه نگار الجزایری-فرانسوی تبار بود. او یکی از فلاسفه بزرگ قرن بیستم و از جمله نویسندگان مشهور و خالق کتاب بیگانه است. کامو در تعطیلات تابستانی در برابر دریافت دستمزدی اندک در مغازه‌ها کار می‌کرد؛ به آموختن انگلیسی پرداخت و با زبان اسپانیایی آشنا شد، ولی نتیجه کار مطلوب نبود. اما در مقابل به فوتبال که در سراسر زندگی به آن علاقه‌مند بود، به موفقیت‌هایی رسید. در پیوست. در (RUA) سال ۱۹۲۹ به عنوان دروازه‌بان، به تیم جوانان دانشگاه ریسینگ الجزیره سپس در دسامبر همان سال ۱۹۳۰ و با دریافت دیپلم، نخستین گام را به سوی ترقی برداشت سال نخستین نشانه‌های ابتلا به بیماری سل در او نمایان شد و به همین خاطر مجبور شد فوتبال را کنار بگذارد، تا آخر عمر کوتاهش یک تماشاچی فوتبال باقی ماند. کامو در سال ۱۹۵۷ به خاطر «آثار مهم ادبی که به روشنی به مشکلات وجدان بشری در عصر حاضر می‌پردازد» برنده جایزه نوبل ادبیات شد. آلبر کامو پس از رودیارد کیپلینگ جوان‌ترین برنده جایزه نوبل و همچنین نخستین نویسنده زاده آفریقا است که این عنوان را کسب کرده است. کامو در

بعد از ظهر چهارم ژانویه ۱۹۶۰ و در سن ۶۶ سالگی بر اثر سانحه تصادف نزدیک سن، در شهر ویل بلویل درگذشت.



۱۰. فرانتس کافکا در سال ۱۸۸۳ در یک خانواده آلمانی زبان یهودی در پراگ به دنیا آمد . یکی از بزرگ ترین نویسندگان آلمانی زبان در قرن بیستم بود. آثار کافکا - که با وجود وصیت او مبنی بر نابود کردن همه آنها، اکثراً پس از مرگش منتشر شدند - در زمره تأثیرگذارترین آثار در ادبیات غرب به شمار می آیند. پرآوازه ترین آثار کافکا داستان کوتاه مسخ و رمان محاکمه و رمان ناتمام قصر هستند. عموماً اعتقاد بر این است که کافکا در سراسر زندگی از افسردگی حاد و اضطراب رنج می برده است. او همچنین دچار میگرن، بی خوابی، یبوست، جوش صورت و مشکلات دیگری بود که عموماً عوارض فشار و نگرانی روحی هستند . کافکا سعی می کرد همه اینها را با رژیم غذایی طبیعی، از قبیل گیاه خواری و خوردن مقادیر زیادی شیر پاستوریزه نشده برطرف کند. به هر حال بیماری سل کافکا شدت گرفت و او به پراگ بازگشت، سپس برای درمان به استراحتگاهی در وین رفت، و در سوم ژوئن ۱۹۲۴ در همان جا درگذشت . وضعیت گلوی کافکا طوری شد که غذا خوردن آن قدر برایش دردناک بود نمی توانست چیزی بخورد، و چون در آن زمان تزریق وریدی هنوز رواج پیدا نکرده بود راهی برای تغذیه نداشت، و بنابراین بر اثر گرسنگی جان خود را از دست داد. بدن او را به پراگ برگرداندند و در تاریخ ۱۱ ژوئن ۱۹۲۴ در گورستان جدید یهودی ها در ژیزکوف پراگ به خاک سپردند.



۱۱. اریک آرتور بلر با نام مستعار جرج اورول در ۱۹۰۳ در شهر موتیهاری در ایالت بهار در هندوستان متولد شد. داستان نویس، روزنامه‌نگار، منتقد ادبی و شاعر انگلیسی بود. او را بیشتر برای دو رمان سرشناس و پر فروشش مزرعه حیوانات و هزار و نهصد و هشتاد و چهار می‌شناسند. این دو کتاب بر روی هم بیشتر از هر دو کتاب دیگری از یک نویسنده قرن بیستمی، فروش داشته‌اند. اورول یک سیگاری قهار بود. به شکلی که با وجود وضعیت وخیم ریه هایش همیشه در حال سیگار کشیدن بود. در سال ۱۹۴۷ مبتلا به بیماری سل شد و بعد از مدتی بیماریش وخیم شد و در بیمارستان بستری شد و در سال ۱۹۵۰ به علت بیماری سل دار فانی را وداع گفت.



۱۲. فردریک فرانسوا شوپن در سال ۱۸۱۰ در لهستان بدنیا آمد. نوازنده پیانو و آهنگساز لهستانی بود. او در روستای زلازولا در نزدیکی ورشو از مادری لهستانی و پدری فرانسوی بدنیا آمد. پس از آنکه به عنوان یک کودک نابغه در سرزمین مادری اش شناخته شد در ۲۰ سالگی لهستان را برای رفتن به پاریس ترک کرد و در آنجا به عنوان نوازنده، معلم موسیقی و آهنگساز شروع به فعالیت کرد. شوپن در پاریس با چند تن از بهترین نوازندهای پیانو آن زمان آشنا شد که فردریش کالکبرنر، فردیناند هیلر و فرانتس لیست از آن جمله هستند و در همین زمان بود که ارتباط صمیمی او با آهنگسازانی مثل هکتور برلیوز، فلیکس مندلسون و وینچنتزو بلینی شکل گرفت . موسیقی او تا پیش از این توسط آهنگسازان بسیاری مورد تحسین قرار گرفته بود تا جایی که روبرت شومان درباره او به دیگران گفت: آقایان، کلاهتان را به احترام یک نابغه بردارید . شوپن در تمام طول عمر خود از ضعف جسمانی رنج می برد تا آنکه در سال ۱۸۴۹ در ۳۹ سالگی بر اثر سل ریوی درگذشت.



از راست به چپ : شارلوت برونته ، آن برونته ، امیلی برونته

۱۳. خواهران برونته سه خواهر انگلیسی بودند به نام های شارلوت برونته متولد (۱۸۱۶) ، امیلی برونته (متولد ۱۸۱۸) و آن برونته (متولد ۱۸۲۰). هر سه خواهر داستان نویس و شاعر انگلیسی بودند. رمان بلندی های باد گیر یکی از آثار بسیار معروف امیلی برونته است . او با کتاب بلندی های باد گیر (یا عشق هرگز نمی میرد) شهرتی جهانی یافت. امیلی برونته بیرون از خانواده اش هیچ دوستی نداشت. امیلی برونته در سنین جوانی مبتلا به بیماری سل می شود و امیلی در دوران مریضیش حاضر به پذیرفتن هیچ پزشکی نشد و از دریافت دارو امتناع می کرد . در سال ۱۸۴۸ در حالی که تنها فقط سی سال سن داشت دار فانی را وداع گفت . و یک سال بعد از مرگ امیلی خواهر کوچکش آن برونته در سال ۱۸۴۹ ، در سن ۲۹ سالگی بر اثر بیماری سل در گذشت.



۱۴. سیمون بولیوار در سال ۱۷۸۳ در کاراکاس امپراطوری اسپانیا بدنیا آمد . فرمانده انقلابی و سیاستمدار ونزوئلایی، یکی از چندین رهبر جنبش استقلال طلبانه در آمریکای جنوبی بود. بولیوار در ۱۷ دسامبر سال ۱۸۳۰ در نزدیکی شهر سانتامارتا در کلمبیا به علت ابتلا به بیماری سل درگذشت. تندیس او سوار بر اسب پس از مرگش ساخته و در شهر لیما پایتخت پرو برپا شد . هم اکنون تندیس او در بسیاری از شهرهای جهان برپاست. در سال ۱۳۸۵ شهرداری تهران بلواری را در شمال جنت آباد(تهران) به نام سیمون بولیوار نام نهاد.



۱۵. فردر یک آگوست در سال ۱۸۳۴ در فرانسه بدنیا آمد . او را به عنوان طراح مجسمه آزادی می شناسند . فرانسه طی یک مراسمی مجسمه آزادی را با طراحی فردر یک آگوست در سال ۱۸۸۶ به عنوان هدیه ای از طرف مردم فرانسه به آمریکا می دهد و این مجسمه را در ایالت نیویورگ در شهر منتهن قرار می دهند . فردر یک آگوست در همان سال به مقام افتخاری لژیونی دست یافت و در سال ۱۹۰۴ در اثر بیماری سل در گذشت .